

اقتباس خلاصه نویسی آفرینش

فشرده‌ی قصه: [پادشاهی، بزرگ‌ترین و وحشی‌ترین فیلش را به فیل‌بان می‌سپارد تا رام و تربیت شود. فیل‌بان تمام تلاش و کوشش خود را به کار می‌برد و فیل را آموزش می‌دهد. پس از مدتی که فکر می‌کند فیل رام شده است، از پادشاه می‌خواهد تا فیل آموزش دیده و رام شده را تحویل بگیرد. فیل به پادشاه سواری نمی‌دهد. پادشاه عصبانی می‌شود و می‌خواهد فیل‌بان را مجازات کند. فیل‌بان می‌گوید که چون فیل از دست او (فیل‌بان) غذا خورده و آموزش دیده، فقط به او عادت کرده است و فقط به او روی خوش نشان می‌دهد. پادشاه، فیل را به فیل‌بان می‌بخشد تا آوازه بخشش او، به گوش مردم برسد...]

بنا به اطلاعاتی که از شناسنامه کتاب به دست می‌آید، نویسنده که تصویرگر کتاب نیز هست، برای پروژه پایان نامه دانشگاهی خود، روی یکی از قصه‌های کتاب «سندبادنامه»، تصویرگری کرده است.

داستان‌ها و قصه‌هایی که برای کودکان و نوجوانان چاپ و منتشر می‌شود، از نظر اصالت تولید، دست کم به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- آفریده‌ها

در این گونه از تولید ادبی، آفرینش و خلاقیت وجود دارد. نویسنده با استفاده از ذهن و فکر خود، مایه و سوژه‌ای را می‌پروراند و داستان یا قصه‌ای نو و بکر می‌آفریند. همه قصه‌ها و داستان‌ها در زمانی که برای نخستین بار خلق می‌شوند، در این ردیف جای می‌گیرند.

۲- بازآفریده‌ها

داستان‌ها و قصه‌های بازآفریده، گروهی از تولیدات ادبی هستند که ممکن است در مایه و سوژه، با قصه‌ها و داستان‌های پیش از خود یا همزمان خود، همانندی‌ها و مشترکاتی داشته باشند، اما بنا به توان نوآوری آفریننده و نیاز زمان، دیگرگونی‌هایی ساختاری و ژرف ساختی در آن‌ها پدید آید. در این نوع از آفرینش ادبی، هنوز جنبه‌ها و رگه‌هایی از خلق و آفرینندگی، یافت می‌شود.

۳- بازنویشته‌ها

گاهی نویسنده، متن دشوار و قدیمی را به نثر و زبان قابل فهم روزگار خود، بازنویسی می‌کند. در این گونه متن‌ها، عنصر آفرینش و نوآوری و خلاقیت ذهنی، بسیار کم رنگ می‌شود. بازنویس، فقط به ساده‌سازی زبان و چکیده نویسی متن اصلی دست می‌زند.

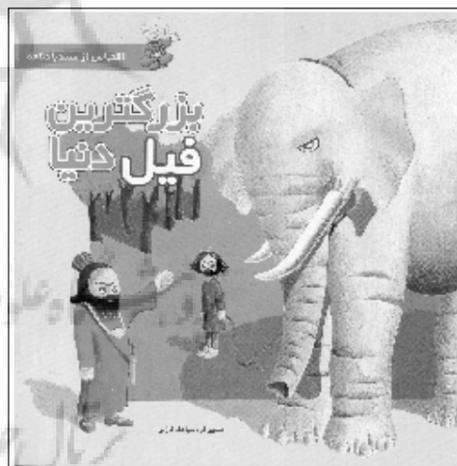
۴- برداشت‌ها

گونه دیگری از نوشتن نیز وجود دارد که نویسنده از متنی دیگر اقتباس می‌کند. در این گونه از تولید ادبی، نقش استقلال فکری و ذهنی اقتباس‌گر، کمتر از نوآوری و خلاقیت «بازآفرین» نیست. به ویژه در «برداشت آزاد»، جنبه‌ها و جلوه‌های نوآورانه و خلاقانه، به حدی است که گاهی اثر پدید آمده را تا مرز یک اثر اصیل و دست اول پیش می‌برد.

«بزرگ‌ترین فیل دنیا» از نوع داستان‌ها و قصه‌های اقتباسی است. این قصه، از ادبیات رسمی ایران و از کتاب «سندبادنامه» برداشت و ساده‌نویسی شده است. در این جا لازم است اندکی درباره این کتاب توضیح داده شود. سندبادنامه، در اصل، به زبان سانسکریت بوده که یک بار به زبان پهلوی برگردانده شده و در قرن ششم، ظهیرالدین سمرقندی، آن را از روی متن دری ابوالفوارس، برای تمعاج خان، حاکم ماوراءالنهر، ترجمه کرده است.

بعدها نظیره‌هایی چون بختیارنامه، از روی آن ساخته شد. داستان پیدایی سندبادنامه، به این شرح است:

○ روح‌الله مهدی پورعمرانی



- عنوان کتاب: بزرگ‌ترین فیل دنیا
- نویسنده و تصویرگر: سیامک خازنی
- ناشر: فرهنگ و هنر
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۰
- شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۲ صفحه
- بها: ۲۵۰ تومان



در گذشته تاریخی پیوند میزند. این کار سبب می‌شود که کودک و نوجوان در سال‌های بعد که درجات و مراحل عالی تحصیلات را می‌گذرانند، در روبه‌رو شدن با متن‌های فرهنگی، احساس غریبگی و ناآشنایی نکند. بازنویسی و بازآفرینی از مایه‌ها و سوژه‌های ادبیات رسمی و ساده‌سازی و حتی برداشت آزاد از آن، برای لایه‌های اجتماعی به فراخور دریافت و نیاز هر دوره و نیز به فراخور سن مخاطب در هر دوره تاریخی، ضمن آشنایی با ادبیات عامه و فرهنگ گذشته، خود به خود سبب رشد و پرباری و باروری ادبیات رسمی هم می‌شود. به عنوان نمونه، سیمرغ، به روایت‌های گوناگون، در آثار دانشمندان ادبی و فلسفی ایران زمین تکرار شده است.

بدون شک، سیمرغی که در نوشته‌های بوعلی‌سینا حضور دارد، همان نیست که در کتاب‌های مولانا، فردوسی، سهروردی، غزالی، ناصر خسرو قبادیانی و دیگران دیده می‌شود. این مفهوم، هر چند افسانه‌ای و اسطوره‌ای، در روایت‌های این نویسندگان و هم در قرائت‌های دیگران، به شکلی نو بازآفرینی شده است، اما بسیاری از داستان‌های ادبیات رسمی و عامه را به آسانی نمی‌توان به زبان و برای کودکان و نوجوانان، ساده نویسی کرد. بزرگ‌ترین فیل دنیا، از جمله قصه‌هایی است که در سطح و حوزه تخاطبی کودک و نوجوان، به دشواری قابل دریافت به نظر می‌رسد.

تصویرهای کتاب، با طراحی ساده و رنگ‌های مناسب، بیشترین ارتباط را با مخاطب و خواننده برقرار می‌کند. بر خوبی‌های کتاب، باید نثر ساده و روان و کودکانه را افزود که با رعایت حوزه و فرهنگ واژگانی، قصه‌ها را به ذهن و زبان کودک نزدیک کرده است. با این همه، قصه بزرگ‌ترین فیل دنیا، از نظر مفهوم و درون مایه، به ادبیات کودک و نوجوان نزدیک نیست. دلایل این ناسازگاری، در درونه پداگوژیک آن است. ادبیات هر گروه سنی، ویژگی‌های خود را دارد. ویژگی تربیتی و آموزشی ادبیات هر گروه سنی نیز با دیگر گروه‌ها متفاوت است. در قصه بزرگ‌ترین فیل دنیا، دست کم، دو آموزه پداگوژیک نهفته است:

۱- رابطه آموزش و آموزگار با آموزنده (اخلاق فردی)

در این قصه اقتباسی، نشان داده شده است که فیل سفید، دست‌آموز فیل بان بوده و با افراد غریبه ناسازگاری و بدقلقی می‌کند.

[پادشاهی در هند بود که کوردیس نام داشت. او با دانشمندان زیادی نشست و برخاست می‌کرد، ولی فرزندی نداشت. پس از سال‌ها، دارای پسری شد که تا دوازده سالگی چیزی یاد نگرفت. آموزگاران زیادی در آموزش پسر کوردیس، درماندند و گفتند که فقط سندباد می‌تواند به او بیاموزد. سندباد، آموزگاری پسر را قبول کرد و پس از سال‌ها، در روز امتحان، در طالع دید که نباید هفت روز حرف بزند. بنابراین، پنهان شد. یکی از زنان حرمسرا به او تهمت زد و از پادشاه، دستور قتل او را خواست. وزیران پا در میانی کردند و برای پادشاه، قصه‌های پی‌درپی و پیوسته گفتند و تنبیه سندباد را به تعویق و فراموشی انداختند...]

پس از این مقدمه، اکنون همانندسازی این داستان را با سندبادنامه و نیز از زاویه‌ای دیگر، با هزار و یک شب، بررسی می‌کنیم:

الف - همانندی قصه‌ای و مضمونی

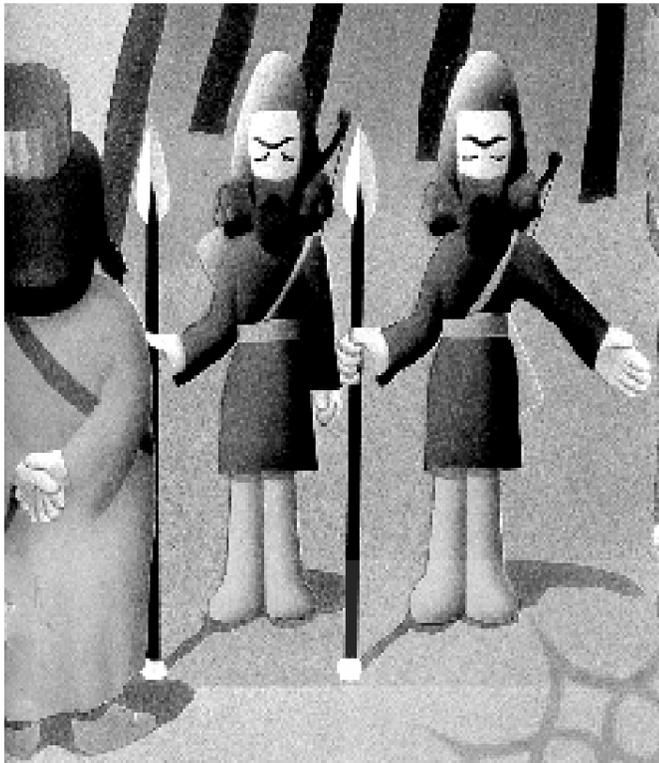
در داستان دلکش یوسف پیامبر نیز می‌خوانیم که یوسف:

- ۱- از دنیای غیب آگاه بوده و تعبیر خواب می‌کرده است. در این قصه، سندباد، طالع و خوب و بد (سعد و نحس) روزها را می‌شناسد.
- ۲- زن عزیز مصر، به یوسف تهمت بی‌عفتی می‌زند. در قصه سندباد نیز زنی از حرمسرای کوردیس، همان افترا و تهمت را در مورد سندباد، عنوان می‌کند.

ب - همانندی ساختاری با کتاب هزار و یک شب

همان گونه که شهرزاد قصه‌گو به وسیله حکایت‌های پیوسته و پیاپی، شاه را مشغول می‌کند و پس از هزار و یک شب، به دلیل باردار شدن از شاه، از کشته شدن نجات می‌یابد، در قصه سند باد، وظیفه قصه‌گویی و تغییر رای پادشاه از قتل سندباد را وزیران کوردیس برعهده دارند. و به این ترتیب، موضوع نقش قصه در رهایی انسان و قصه درمانی، به تواتر می‌رسد.

با توجه به آن چه در سطرهای گذشته اشاره شد، کتاب «بزرگ‌ترین فیل دنیا» از روی متن سندباد نامه، اقتباس و گرفته شده است. بازنویسی و اقتباس از منابع ادبیات رسمی و گذشته ایران، کودک و نوجوان را با فرهنگ و چگونگی زندگی و ساز و کار آن



همان گونه که شهرزاد قصه گو
به وسیله حکایت‌های پیوسته و پیاپی،
شاه را مشغول می‌کند
و پس از هزار و یک شب، به دلیل باردار شدن از شاه،
از کشته شدن نجات می‌یابد،
در قصه سند باد، وظیفه قصه‌گویی و تغییر رای پادشاه
از قتل سندباد را وزیران کوردیس
برعهده دارند

تصویرهای کتاب،
با طراحی ساده و رنگ‌های مناسب،
بیشترین ارتباط را با مخاطب و خواننده
برقرار می‌کند

۲- اخلاق اجتماعی

نکته دیگری که در این قصه «ساده شده» و اقتباسی وجود دارد، نتیجه‌گیری آشکاری است که در گزاره‌های پایانی بیان می‌شود:
[حاکم گفت: حالا که این طور است، من این فیل را به خودت می‌بخشم تا به جای این که مردم بگویند حاکم بزرگ‌ترین فیل دنیا را دارد، بگویند حاکم بیشترین انصاف و بخشش را دارد.]^۲

ذهنیت خیال پرور و لطیف کودک، جای این گونه آموزه‌های خشک و خشن جامعه‌شناختی نیست. کودک و نوجوان، عنصر بخشش ملوکانه (!) را هضم نمی‌کند و اساساً در این دوره از زندگی، به کارش نمی‌آید. اقتباس‌گر و خلاصه‌نویس، با همه تلاشی که در ساده‌سازی این متن و مفهوم به کار برده است، نتوانست و نمی‌تواند آن چه را که خود دوست می‌دارد، به خورد ذهن ساده کودک و نوجوان بدهد. این سعی را در اصطلاح دانش ادبی، تکلف می‌گویند. تکلف به این معنا که نویسنده برای خلق و تولید اثر ادبی تقلا کند و خود و خواننده را به زحمت بیندازد.

عرصه ادبیات کودک، علی‌رغم اسم و ظاهر ساده و آسانش، توانی مردافکن می‌طلبد. این عرصه، بسیار فنی‌تر و دشوارتر از عرصه‌های دیگر است. بنابراین، کسی که در این راه گام می‌نهد، باید خود را در برابر همه دشواری‌ها و خرده‌گیری‌ها آماده سازند. به قول مشهور:

یا مکن با فیل بانان دوستی

یا بنا کن خانه‌ای در خورد فیل

پانویسها:

- ۱- بزرگ‌ترین فیل دنیا - صفحه ۹ (شماره صفحه‌ها را راقم این سطور نوشته است) .
- ۲- خویبد بر وزن بید: جو نارس - قصیل
- ۳- بوستان سعدی - تصحیح محمدعلی فروغی - انتشارات برادران علمی - بی تا - صفحه‌های ۸۲ - ۸۳ .
- ۴- بزرگ‌ترین فیل دنیا - صفحه ۱۲ .

«ناگهان فیل وحشی شد و در حالی که نعره می‌کشید، به طرف جنگل دوید. او مرتب خودش را به درخت‌ها می‌زد تا حاکم را از پشت خودش به زمین بیندازد. سرانجام، سربازها فیل سفید را محاصره کردند و با سختی توانستند حاکم را نجات دهند.»
علاوه بر علقه به وجود آمده بین آموزگار (فیل بان) و آموزنده (فیل)، باید رابطه تغذیه را به آن افزود. موجودات زنده، معمولاً حق نان و نمک را نگاه می‌دارند. این موضوع، به شکل‌های دیگر هم در ادبیات رسمی ایران وارد شده است. در ادامه، به یک نمونه از آن اشاره می‌شود.

ج - همساختی این قصه‌ها با حکایت بوستان سعدی

در باب دوم (باب احسان)، حکایت یازدهم، چنین می‌خوانیم:

به ره در یکی پیشم آمد جوان

به تک در پی‌اش گوسفندی دوان

به او گفتم این ریسمان است و بند

که می‌آورد در پی‌ات گوسفند

سبک طوق و زنجیر از او باز کرد

چپ و راست پویدن آغاز کرد

هنوز از پی‌اش تازیان می‌دوید

که جو خورده بود از کف مرد و خویبد^۱

چو باز آمد از عیش و بازی به جای

مرا دید و گفت ای خداوند رای

نه این ریسمان می‌برد با منش

که احسان کمندی‌ست در گردش

به لطفی که دیده‌ست پیل دمان

نیارد همی حمله بر پیل بان

بدان را نوازش کن ای نیکمرد

که سگ پاس دارد چو نان تو خورد

بر آن مرد کند است دندان یوز

که مالد زبان بر پنیرش دو روز^۲

کودک و نوجوان، به دلیل آن که هنوز در میدان جاذبه رابطه معلم - شاگردی قرار دارد، هرگونه استدلال را در مورد علت این جاذبه برنمی‌تابد.